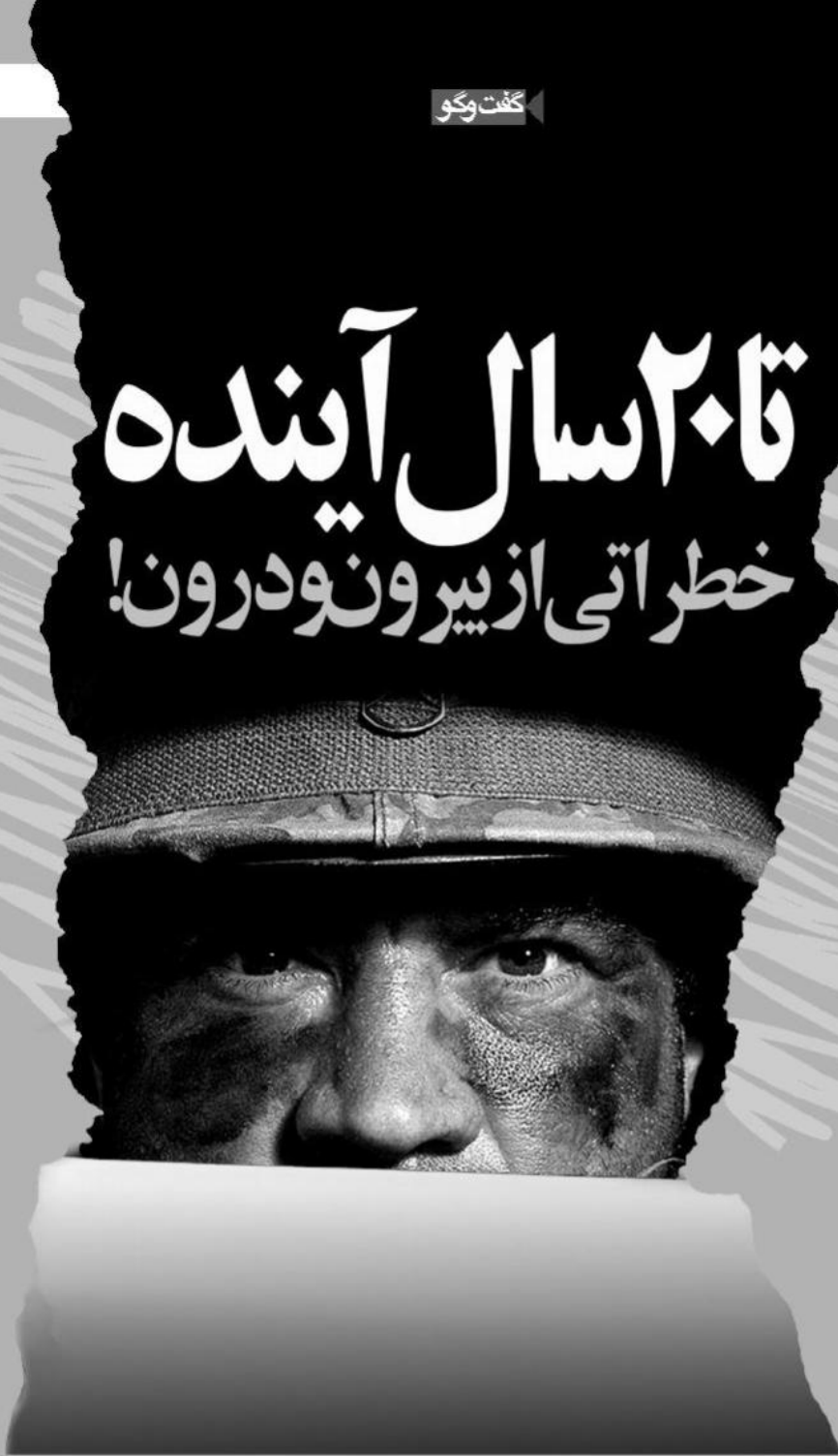


تا ۲۰ سال آینده خطراتی از بیرون و درون!



اشاره

سرزمین ثروتمند ایران، همیشه تاریخ بیشترین حمله‌ها و هجمه‌ها را به خود دیده است و تاکنون نیز از تیررس مهاجمان در امان نبوده و نیست. حجت الاسلام دکتر سیداحمد رهنمایی، کارشناس امور تربیتی-فرهنگی، در متن ذیل به مجموعه‌ای از آسیب‌ها و خطرهای بیرونی که در ۲۰ سال آینده، نظام و سرزمین ما را تهدید می‌کند، اشاره نموده است. این متن گزیده‌ای از مقاله نسبتاً مفصل نگارنده در زمینه «سند چشم انداز ۲۰ ساله» می‌باشد.



● دکتر سیداحمد رهنمایی

خطرات بیرونی، خطرانی است که عوامل ایجاد، زمینه‌ساز و یا برانگیزاننده آنها را باید در بیرون از چارچوب نظام ریشه‌یابی کرد؛ هر چند در این میان، واسطه‌گرانی را نیز می‌توان از درون مشاهده نمود که درصدد تحقق مقاصد شوم بیگانگان برآمده‌اند. در مجموع، غرب و در رأس آن آمریکای کوشد تا با فروپاشی جمهوری اسلامی ایران، از طریق درگیر کردن نظام با این چالش‌ها، زمینه حاکمیت نظام لیبرال دمکراسی را در ایران اسلامی فراهم آورد. در سال‌های اخیر، به ویژه پس از روی کار آمدن طیف به اصطلاح اصلاح‌طلبان و برخی از وابستگان سیاسی جریان موسوم به جبههٔ دوم‌خرداد، سیاست‌پردازان آمریکایی چشم‌انداز روشنی از فروپاشی جمهوری اسلامی را در منظر سیاست‌های کینه‌توزانهٔ خود ترسیم می‌کردند. از این رو، تمام تلاش و جدیت و امید خویش را به کار بستند تا شاید روند فروپاشی نظام اسلامی را از راه‌های گوناگون از جمله کمک‌رسانی به گروه‌های اپوزیسیون، تسریع بخشند. این کمک‌ها شامل انواع کمک‌های نرم‌افزاری از قبیل: مفهوم‌سازی، نظریه‌پردازی، اطلاع‌رسانی، و کمک‌های مادی همچون: اختصاص بودجه‌های دلاری، اعتبارات و جوایز ویژه بوده است.

کهنه‌کاران سیاست آمریکا تا همین اواخر همهٔ امور مربوط به ایران اسلامی را بر وفق مراد خویش می‌دستند و بدین ترتیب، آهنگ شمارش معکوس نظام و انقلاب اسلامی را در پس پرده‌های تاریک و تارگرفته ذهنیت خود، احساس می‌کردند. دشمنان انقلاب اسلامی، تاکنون بسیاری از حریم‌ها و ابزار براندازی نظام را آزموده‌اند؛ اما همواره نتیجه‌ای برخلاف تصور و آرمان‌هایشان نصیب آنها گردیده است. آمریکا و اذتاب و هم‌فکرانش در سطح جهان، از راه‌های گوناگون و به شیوه‌ای بدیع کوشیده‌اند تا نظام، مسؤولان و مردم ما را به انفعال بکشانند و در نتیجه، آنان را دچار روزمرگی و اختصار سیاسی کنند. به سه نمونه از ترفندهای مورد استفاده دشمن در جهت براندازی و یا زمینه‌سازی برای فروپاشی نظام، می‌توان به قرار زیر اشاره کرد. از آنجا که این نمونه ترفندها در گفتمان سیاست آمریکایی‌ها توسط سیاست‌پردازان آمریکایی تئوریزه شده‌اند، می‌توان از آنها به عنوان تئوری‌های براندازی یاد کرد. هر یک از این تئوری‌ها، روند اجرایی و طرح‌های عملیاتی خاص خود را می‌طلبد.

۱. تئوری ارباب و تهدید

بخش عمده‌ای از فعالیت‌های براندازانه، مبتنی بر تئوری ارباب و تهدید است. این فعالیت‌ها که همواره با ایجاد هیاهوی تبلیغاتی و جنگ تمام‌عیار روانی علیه مردم و نظام اسلامی همراه بوده است، در سال‌های گذشته با ایجاد کمربند نظامی و برپایی اردوگاه‌جنگی توسط آمریکا در اطراف مرزهای شرقی، شمالی، جنوبی، غربی و جنوب غربی جمهوری اسلامی ایران تشدید شده و رنگ و روی جدیدتری به‌خود گرفته است. ارباب و تهدید در کانون عطف توجه سیاست‌پردازان آمریکایی قرار گرفته تا آنجا که فردی چون «تام داسل»، یکی از رهبران حزب‌دمکرات آمریکا، با تأکید بر ترفند مذکور، به نقش حیاتی تهدید و ارباب برای این کشور اشاره کرده و اظهار داشته است: «آمریکا باید با کمک به اصلاح‌طلبان در

ایران، آنان را برانگیزاند تا مردم را از حضور نظامی واشنگتن بترسانند. هنگامی که مردم ایران وحشت زده شدند، به رهبری نظام فشار خواهند آورد تا به مذاکره با آمریکا تن دهد. وقتی رهبری نظام برای مذاکره با آمریکا اعلام آمادگی کرد، کاخ سفید با قرار دادن بیش‌شرط حذف‌اصل ولایت فقیه از قانون اساسی جمهوری اسلامی و برائت از آن، مذاکره با ایران را بپذیرد! سناریوی تام داسل که در صورت روی صحنه آمدن، به انفعال و احتضار و در نتیجه مرگ سیاسی نظام اسلامی می‌انجامد، بر اصل ارباب و تهدید استوار است.

۲. تئوری امداد و تطمیع

بخش دیگری از فعالیت‌های براندازانهٔ نظام اسلامی توسط آمریکا، به تئوری امداد و تطمیع، مستند است. براساس این تئوری، آمریکا خود را موظف دانسته است با زیر نظر گرفتن آن دسته از اصلاح‌طلبان که نقش

اپوزیسیون را در داخل نظام ایفا می‌کنند و درصدد طراحی و اجرای اصلاحات مورد نظر کاخ سفید برآمده‌اند، رقم‌های دلاری نسبتاً بالایی را برای کمک به آنها به منظور تسریع در امر براندازی نظام اختصاص دهد. آمریکا از آغاز ظهور پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، از چنین ترفندی بهره‌جسته و به اهدافی نیز دست بازیده است. در سال‌های اخیر، براساس همین کمک‌های مالی بود که برخی از حلقه‌های سیاسی و جناحی تنیده در دولت و بدنهٔ نظام، امکان برپایی پایگاه‌های عظیم‌نوستاری و تبلیغاتی را با هدف ترویج فرهنگ ویرانگر لیبرال - دمکراسی و تضعیف و براندازی نظام اسلامی به دست آوردند و از این بابت، بسیاری از روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و مجلات ارگان

اصلاح‌طلبان آمریکایی، هجمهٔ گسترده‌ای را به ویژه طی سال‌های ۸۲-۱۳۷۸ (و هنوز هم) علیه ارزش‌ها، باورها، اصول و مقدسات دینی و فرهنگی نظام و مردم آرایش دادند. کمک‌های مالی آمریکا به گروه‌های اپوزیسیون داخل نظام جمهوری اسلامی ایران، مشهود نظر بسیاری از کارشناسان و خبرگان سیاسی قرار گرفته و آثار ویرانگر آن علیه نظام اسلامی بر اهل اطلاع و سیاست پوشیده نمانده است. تاکنون نیز هیچ مقام مسؤول آمریکایی، ادعای کمک‌رسانی مالی به گروه‌های مزبور را تکذیب و یا اصل کمک‌رسانی را انکار نکرده است. امروزه حتی این قبیل کمک‌ها،

غرب و در رأس آن آمریکا می‌کوشد تا با فروپاشی جمهوری اسلامی ایران، از طریق درگیر کردن نظام با این چالش‌ها، زمینه حاکمیت نظام لیبرال دمکراسی را در ایران اسلامی فراهم آورد.

نظام اسلامی ایران، چاره‌ای جز این پیش روی خود نمی‌بیند که مردم و توانمندی‌های نظام را در جهت مقابله با دسیسه‌های آمریکا و دسیسه‌پردازان داخلی آن در ایران اسلامی بسیج کند، تا هم جبهه کفر و استکبار خارجی را زمین گیر سازد و هم جبهه نفاق داخلی را از حرکت و هم‌سوئی و هماهنگی با آن باز دارد.

شکل و روند رسمی به خود می‌باید و جلوه تازه‌ای پیدا می‌کند. اخیراً دو تن از سناتورهای جمهوری خواه آمریکا به نام‌های «ریک سنتوروم»^۱ و «جان کرناین»^۲ از ایالت‌های پنسیلوانیا و تگزاس، طرحی را به مجلس سنای آمریکا ارائه کرده‌اند که براساس آن، از دولت آمریکا درخواست شده است علناً تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران را سیاست رسمی خود قرار دهد. طرح مزبور، رئیس‌جمهور آمریکا را موظف می‌داند «تا حداکثر ۹۰ روز پس از تصویب این طرح، حداقل یک گروه اپوزیسیون داخل ایران را که واجد شرایط دریافت کمک مالی باشد، معرفی کند و ۱۵ روز قبل از معرفی این گروه، کمیسیون‌های روابط خارجی و بودجه سنا و مجلس نمایندگان را در جریان بگذارد.» براساس این طرح، ایالات متحده آمریکا لازم است «پیش از پیش، روابط خود را با گروه‌های اپوزیسیون در ایران افزایش دهد.» در این طرح، همچنین آمده است: «مقامات و نمایندگان سیاسی دولت آمریکا باید با قدرت و جدیت، از تلاش‌هایی که در داخل ایران برای برگزاری رفراندوم می‌شود، حمایت کنند.»

طرح مزبور و طرح‌های مشابه آن، نشان می‌دهد که آمریکا چگونه گستاخانه و با تمام جسارت و کینه‌توزی، سناریوی براندازی نظام را از طریق کمک‌رسانی به گروه‌های اپوزیسیون تدوین و اجرا می‌کند!

۳. تئوری اغفال و تشویق

کانون برانداز نظام، بخش وسیعی از طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های براندازانه خود را به تشویق و ترغیب گروه‌های اپوزیسیون و حتی چهره‌های شاخص و صاحب‌منصب در نظام جمهوری اسلامی اختصاص می‌دهد و به شیوه‌ها و فنون گوناگون می‌کوشد تا این گروه‌ها و چهره‌ها را اغفال کند.

ترفند اغفال و تشویق، تا آنجا کارآمد بوده که برخی از نظریه‌پردازان اصلاحات را بر آن داشته است تا تصور کنند، و از آن بالاتر اظهار دارند: جمهوری اسلامی ایران باید با آمریکا ارتباط برقرار کند و این کشور را در واقع دوست خود برگزیند. همگرایی و هم‌سوئی نظریه‌پردازان اصلاحات آمریکایی در ایران با دشمن سرسخت نظام اسلامی بیانگر

چیست؟ به اظهارات مهره‌ای که او را «مغز متفکر اصلاحات» معرفی می‌کنند توجه کنید: «فرد می‌گوید: اصلاً آینده‌ای ندارم، هیچ چیز ندارم: نه عشق و حالی، نه آموزش، نه هیچی. پس بگذار که دشمن بیاید؛ دشمن مفروضی که تا حالا، دشمن بودنش را دیگران تبلیغ کرده‌اند. فرد به این می‌رسد که اصلاً دشمن، آن کشور خارجی نیست؛ دشمن داخلی است؛ دشمن خانگی است. آن دشمن خارجی لولو سرخرمنی بوده که ساخته‌اند. مثلاً می‌گوید: تا به حال، بی خود مرگ بر آمریکا می‌گفته‌ایم. آمریکا خیلی هم خوب است. الان این ایرانی‌ها که به عتبات می‌روند را ببینید، من دیده‌ام که بعضی‌ها با سربازهای آمریکایی عکس یادگاری می‌گیرند و برمی‌گردند و می‌گویند این سربازها خیلی آدم‌های خوبی هم هستند و به ما بسیار احترام می‌گذارند. این‌ها زنان چادری را اصلاً بازرسی نمی‌کنند، و می‌گویند بعضی‌ها بد بودند اما از آمریکایی‌ها تعریف می‌کنند. خیلی از زوار از آمریکایی‌ها دفاع می‌کنند؛ چه آدم‌های تر و تمیز و مؤدب هستند؛ چه بهتر که به ایران هم بیایند. آمریکامنچی می‌شود.»^۳ این انسان فریفته غرب که او را نظریه‌پرداز اصلاحات می‌شمرند، دیدگان خود را به روی بسیاری از واقعیات تلخ و جانکاه در عراق، افغانستان و جاهای دیگر بسته است و براساس تصور واهی و بی‌خردانه خویش اظهار می‌دارد: «شعار آمریکا، ایجاد دموکراسی در همه دنیا است. چندین جا که رفته، این کار را کرده است.»

آنچه ارائه گردید، تصویری بود از برخی ترفندهایی که آمریکا علیه جمهوری اسلامی و در مقابل تحقق آرمان‌های مندرج در چشم‌انداز نظام ایجاد کرده است. این ترفندها در صورتی که بدون هیچ واکنش جدی از جانب مسؤولان، مسیر طبیعی خود را طی کند، به تدریج نظام اسلامی را درگیر چالش‌های جدی خواهد کرد و حرکت در مسیر شکوفایی آرمان‌های آن را کند خواهد ساخت. نظام اسلامی ایران، چاره‌ای جز این پیش روی خود نمی‌بیند که مردم و توانمندی‌های نظام را در جهت مقابله با دسیسه‌های آمریکا و دسیسه‌پردازان داخلی آن در ایران اسلامی بسیج کند، تا هم جبهه کفر و استکبار خارجی را زمین گیر سازد و هم جبهه نفاق داخلی را از حرکت و هم‌سوئی و هماهنگی با آن باز دارد.

پاورقی‌ها

۱. ر. ک. صحیح صادق. ۶ خرداد ۸۱.
۲. Rick Santorum.
۳. John Cornyn.
۴. روزنامه کیهان: ۳/۵/۸۲.
۵. روزنامه یاس نو: ۲۳/۶/۸۲. هفته‌نامه پرتوسخن: ۲۴/۶/۸۲ و ۴/۶/۸۳.
۶. هفته‌نامه پرتوسخن: ۲۴/۶/۸۲ و ۴/۶/۸۳. (اظهارات سعید حجازیان).